

بهره مندی از انرژی هسته ای برای جمهوری اسلامی ایران در راستای حق بر توسعه به عنوان نسل سوم حقوق بشر

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۱۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۳/۱۸)

خدیجه رنجبر^۱

کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، موسسه آموزش عالی فروردین قائمشهر، مازندران، ایران

حسین فروغی نیا

استادیار گروه حقوق، موسسه آموزش عالی فروردین قائمشهر، مازندران، ایران

چکیده

«حق بر توسعه» از مصادیق نسل سوم حقوق بشر است که دارای ابعاد ملی و منطقه ای بوده و برخورداری انسان ها از مصادیق حقوق بشر هدفی است که از طریق فرایند توسعه دنبال می شود. فرایندی که به موجب آن هر فرد انسانی و همه مردم از استحقاق مشارکت در فرایند توسعه جامعه خود و بهره مندی از مواهب آن برخوردارند. در این راستا، به نظر می رسد یکی از مهم ترین این موارد، تاثیر مثبت حق بر توسعه بر محقق شدن حقوق انرژی، برخورداری از منابع و امکانات داخلی زیر ساختی از جمله فناوری هسته ای و فراوری غنی سازی اورانیوم در فرایند توسعه ملی است. با توجه به چنین رویکردی در خصوص حق بر توسعه و تامین انرژی در راستای آن، و با توجه به دغدغه جامعه بین المللی در خصوص فعالیت های هسته ای ایران، اعمال برخی فشارها و تحریم ها در قالب قطعنامه های عذیده طی سال های اخیر که به دور از منافع و ملاحظات سیاسی هم نیست، شرایطی را ایجاد کرده است که می تواند منجر به نقض حق بر توسعه ملی کشورها در چارچوب حقوق بشر گردد. نتیجه اینکه بهره مندی از انرژی هسته ای حقی عام و ذاتی است که کلیه کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران در راستای حق بر توسعه و حقوق بشر و نیز به موجب حقوق بین الملل عام از آن برخوردارند. اما ملاحظات و منافع سیاسی و نقض تعهدات بین المللی از سوی آمریکا و برخی کشورهای غربی و نیز استفاده ابرازی از شورای امنیت و سایر سازوکارهای بین المللی می تواند از مهم ترین موانع و چالش های دنیای غرب در برخورد با برنامه صلح آمیز هسته ای ایران باشد.

واژگان کلیدی: حق بر توسعه، حقوق بشر، انرژی هسته ای، تحریم های بین المللی

بخش اول: کلیات

توسعه نه تنها یک دغدغه مهم برای دولتها در عرصه های داخلی است بلکه در عرصه بین المللی نیز جایگاه خاصی دارد و پیش شرط اساسی حمایت از اصل حاکمیت دولتها بر منابع طبیعی^۱ است. دولتهایی که از سطح توسعه اقتصادی و صنعتی مناسبی برخوردار نیستند، عملاً در اعمال موثر حاکمیت با مشکل مواجه هستند. از این رو، توسعه چالش بزرگ قرن بیست و یکم است (پطروس غالی، ۱۳۸۱: ۲۵۷). در این میان، «حق بر توسعه»^۲ از جمله حقوقی است که ضمن توافق بین المللی بر وجود آن، مباحثات و مناقشات بسیاری را در جامعه بین المللی برانگیخته است. اصطلاح حق بر توسعه که از دهه هفتاد میلادی مورد استفاده قرار گرفت تقریباً توجه تمامی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را با رویکردهای متفاوتی به خود جلب نموده است. اگرچه حق بر توسعه به عنوان یک حق انسانی، در بیانیه ها، اسناد و اعلامیه ها در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده است، لیکن هیچ سند مدون و معاهده بین المللی الزام آور در این رابطه به تصویب نرسیده است و صرفاً در سال ۱۹۸۶ منجر به صدور و تصویب «اعلامیه حق بر توسعه» از طریق مجمع عمومی سازمان ملل متحد شده است. اعلامیه مزبور نیز با مواضع، ضعف ها و ابهاماتی مواجه است که مانع از تبدیل شدن آن به یک معاهده بین المللی شده که ضرورت مذاقه و بررسی دارد.

افزون بر این، رسیدن به توسعه مستلزم استفاده از یک سری ابزارها و سیاست هایی است که از مهم ترین آنها، منابع انرژی و سیاست های حوزه انرژی است. توسعه در تمامی شکل های آن نیاز به انرژی دارد و اقتصادهای مدرن و توسعه یافته به عرضه کافی و قابل اتکای انرژی وابسته اند؛ چرا که شاخص اصلی برای توسعه اقتصادی، صنعتی شدن است و انرژی امکان صنعتی شدن و در ادامه، پیشرفت اقتصادی را فراهم می سازد (میرزاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۸). با این اوصاف، رابطه مستقیمی بین سطح توسعه و حوزه انرژی وجود دارد؛ به نحوی که کشورهای توسعه یافته ضمن اینکه دسترسی بالایی به انرژی دارند، از سیاست های پیشرفته انرژی نیز برخوردارند. برعکس، کشورهای در حال توسعه با فقر انرژی مواجه بوده و با سیاست های

^۱. The Principle of Sovereignty over Natural Resources

^۲. Right to Development.

نامطلوب و ناکارآمد انرژی نیز مواجه هستند. بنابراین چگونگی استفاده از منابع و سیاست های انرژی، گام مهمی برای دستیابی به توسعه است (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷: ۴۰۶).

در اینجا به عنوان یکی از مصادیق حق بر توسعه می توان به انرژی هسته ای اشاره کرد که این انرژی دارای فناوری پیشرفته ای است که دستیابی به آن برای همه کشورها میسر نیست و از این رو کشورهایی که دارای این فناوری هستند ضمن استفاده های کاربردی در زمینه های تامین انرژی پایدار و کاربردهای صنعتی، کشاورزی (گیاه پزشکی، ژنتیک) و پزشکی (استفاده از پرتوهای اورانیوم در رادیولوژی، سونوگرافی، اسکن، ام. آر آی و....) در ارتقاء و جایگاه کشورهای دارای این انرژی در بعد سیاسی نیز به لحاظ افزایش و تقویت اقتدار ملی نقش مهمی ایفا می نماید. مضافاً اینکه استفاده صلح آمیز از فناوری هسته ای در توسعه اقتصادی و اجتماعی بین المللی نقش مهمی ایفا می کند به نوعی که تاثیر فناوری هسته ای بر افزایش دانش بشری و نقش آن در رفاه بشر تردیدناپذیر است و می تواند به عنوان یک عنصر اساسی و مبنای ضروری توسعه پایدار به شمار آید (منتظری مقدم، کوچ نژاد، رامین نیا، ۱۳۹۸: ۱۸۰).

این در حالی است که دستیابی به انرژی هسته ای از جمله حق غنی سازی اورانیوم در حال حاضر یکی از مسائل اختلافی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه از جمله با جمهوری اسلامی ایران است. کشورهای دارای انرژی هسته ای (باشگاه هسته ای) در تلاش هستند با توسل به معاهدات و قطعنامه های بین المللی، به دلایل مختلف که عمدتاً به صلح و امنیت بین المللی مرتبط می گردد، از دسترسی سایر کشورها به انرژی هسته ای ممانعت نمایند و کشورهای در حال توسعه، مانند ایران با توسل به اسنادی همچون معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای، و سایر اسناد، قطعنامه ها و اعلامیه های صادره از سوی نهادهای بین المللی، استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای و حق غنی سازی را مصداقی از حق بر توسعه برای خود دانسته و دسترسی به آن را از نظر حقوق بین الملل عام کاملاً مشروع و قانونی و حق ذاتی می دانند. با درک این وضعیت، پرسشی که به ذهن می رسد این است که فرایند توسعه انرژی در قالب غنی سازی هسته ای توسط کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، در راستای حق بر توسعه و حقوق بشر، با چه موانع و چالش هایی مواجه است؟ در این جستار، برای پاسخگویی به این مساله، با رویکردی توصیفی - تحلیلی ضمن تبیین مفهوم حق بر توسعه و تشریح آن به

عنوان یکی از جلوه های حقوق بشر در زمینه حقوق بین الملل انرژی، در ادامه موضوع فعالیت های هسته ای ایران به ویژه حق غنی سازی اورانیوم در راستای حق بر توسعه و حقوق بشر برای اهداف صلح آمیز مورد تحلیل و ارزیابی قرار می گیرد.

بخش دوم: مفهوم و منشا حق بر توسعه

موضوع حق بر توسعه یکی از مناقشه برانگیزترین مفاهیم رایج مباحث حقوق بشری در روابط بین الملل به شمار می رود که دهه هاست مناقشه ای دو قطبی را در سطح ایدئولوژیک و سیاسی - دیپلماتیک بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه (جهان سوم) ایجاد کرده است. مفهوم حق بر توسعه نخستین بار از سوی حقوقدان سنگالی «کبا ام بای» در سال ۱۹۷۲ در سخنرانی افتتاحیه آموزشی موسسه بین المللی حقوق بشر درباره حق بر توسعه مطرح گردید. او حق بر توسعه را به عنوان یک مطالبه کشورهای در حال توسعه قالب بندی کرد، که مستلزم تعهدات کشورهای توسعه یافته برای همکاری در سطح بین المللی است. و به دنبال این بود تا زبان حقوق را به صداهاى جهان سوم که در حال شکل بخشیدن به اصول و تجویزات جهانشمول برای اقتصاد جهانی بودند، اضافه کند (Sengupta)، (۶۱: ۲۰۰۵). به لحاظ پویش تاریخی، در پس موج استعمارزدایی دهه ۱۹۶۰، مفهوم حق بر توسعه، به عنوان یک «حق جمعی»^۱ از سوی کشورهای در حال توسعه، به عنوان بخشی از دستاوردهای سیاسی خود از استعمارگران و مطالبه پایان دادن به سیاست های استعماری پایدار، سلطه اقتصادی و استثمار مورد استفاده قرار گرفت که همراه با دو درخواست مشخص بود: اول ایجاد یک نظم اقتصادی بین المللی جدید که منجر به رشد اقتصادی بیشتر کشورهای در حال توسعه شود و دوم، کنترل کامل مردم بر منابع و ثروت طبیعی خود. بر این اساس، حق بر توسعه برای اولین بار در سال ۱۹۷۷ توسط کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شد.^۲ به دنبال آن، اعلامیه حق بر توسعه^۳ در سال ۱۹۸۶ توسط مجمع عمومی با اکثریت قاطع آراء به تصویب رسید.^۴ و در کنفرانس جهانی حقوق بشر وین ۱۹۹۳^۱ به عنوان یک حق بشری

۱. Collective Right.

۲. UN Commission on Human Rights. Resolution ۴(XXXIII), ۲۱ February ۱۹۷۷.

۳. ۱۹۹۶ Development on the Right to Development.

۴. GA Res. ۴۱/۱۲۸, ۴December ۱۹۸۶.

جهانشمول و غیر قابل تفکیک و یک بخش جدایی ناپذیر از حقوق بشر اساسی به رسمیت شناخته شد. با گذشت بیش از سی سال از تصویب اعلامیه حق بر توسعه، اجلاس های متعدد گروه کاری حق بر توسعه^۲ و مصوبات متعددی از کنفرانس های مهم جهانی به این موضوع پرداخته و روند هنجارسازی و قاعده سازی در این زمینه را تکمیل تر کرده اند (حاجی یوسفی، غائبی، ۱۳۹۶: ۸).

در عین حال، حقوق بر توسعه در چارچوب حقوق بین الملل، بر اساس دو مفهوم متفاوت از توسعه، به دو شکل «حق توسعه» و «حق بر توسعه» مطرح شده است. در واقع در چارچوب حقوق بین الملل از دو منظر می توان به مقوله توسعه نگریست. حق توسعه مبتنی بر برداشت توسعه اقتصادی از مفهوم توسعه بوده و حق بر توسعه با برداشت توسعه انسانی از توسعه نزدیک است (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷: ۴۱۰).

از یک زاویه، توسعه می تواند در قالب «حق توسعه» مطرح شود؛ حتی که صاحبان حق و تکلیف در آن، تنها دولت ها هستند. از این منظر، توسعه یکی از حقوق کشورهای در حال توسعه در قبال کشورهای توسعه یافته است که به موجب آن، کشورهای توسعه یافته متعهد به تدارک امکانات و بسترهای لازم برای توسعه کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه هستند (Oduwole)، (۳: ۲۰۱۴). در این گفتمان از توسعه که محور مباحث حقوق بین الملل اقتصادی است، توسعه معادل حق توسعه اقتصادی است و می تواند به عنوان حق این کشورها، نه بر ثروتمند شدن، بلکه دست کم به خروج از شرایط فقر عمومی قلمداد شود (Ngosso)، (۵: ۲۰۱۳). بنابراین در قالب حق توسعه، کشورهای در حال توسعه، «صاحب حق» و کشورهای توسعه یافته، «واجد تعهد» هستند.

افزون بر این، در حقوق بین الملل، توسعه می تواند در قالب «حق بر توسعه» نیز مطرح باشد. امروزه حق بر توسعه، صاحبان حق موجودات انسانی و صاحبان تکلیف دولت ها هستند.

۱. ۱۹۹۳ Vienna World Conference on Human Rights.

۲. International Working Group on Right to Development.

بنابراین، در پرتو برداشت انسانی از مفهوم توسعه، دولت‌ها بایستی بتوانند زمینه‌های توسعه افراد انسانی را در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و.... فراهم سازند.^۱

بخش سوم: حق بر توسعه و حقوق بشر

منشور سازمان ملل متحد به عنوان خالق سازمانی جدید و نظم نو در روابط جمعی دولتهای حاکم پس از جنگ جهانی دوم، سه غایت "صلح، حقوق بشر و توسعه" را به عنوان سرلوحه کار خویش اعلام کرد. در این میان و به ویژه پس از پایان عصر استعمار در اواخر دهه ۱۹۶۰، جامعه بین‌المللی دریافت که "توسعه" به منزله عنصر کلیدی ارتقای منافع مشترک است و غایات دیگر یعنی صلح و حقوق بشر تنها وقتی از خطر در امان خواهند ماند که افراد در کل جوامع بشری از بلای فقر و توسعه نیافتگی‌های رهایی‌یابند (ساعد، ۱۳۸۳: ۴۶). همچنین گفتمان حق بر توسعه، با تغییر و تحولات سیاسی در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، جنبش استعمارزدایی، شناسایی اصل حق تعیین سرنوشت^۲ و حق مردم برای پیگیری آزادانه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آغاز شد. حق بر توسعه از حقوق بشری است که نمی‌توان آن را از انسان گرفت و در نتیجه و بر اساس آن هر انسان و همه مردمان حق دارند در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که در آنها همه آزادی‌های بنیادین و حقوق بشر می‌توانند به طور کامل تحقق یابند، شرکت نمایند و از آنها برخوردار شوند. عبارت «هر انسان و همه مردمان حق دارند از توسعه برخوردار شوند» متضمن این نکته است که حق توسعه افزون بر

^۱ در مجموع، جلوه‌های حق بر توسعه به عنوان حقی بشری، اعلامیه حق بر توسعه است. در بند اول ماده ۱ این اعلامیه آمده است «حق بر توسعه یک حق مسلم بشری است که به موجب آن، هر فرد و همه مردم استحقاق مشارکت، سهم‌شدن و برخورداری از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را دارند. به نحوی که در آن کلیه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی کاملاً تحقق یابند». در این سند، به صراحت صاحبان حق توسعه، افراد انسانی و واجدان تکلیف، دولت‌ها معرفی شده‌اند. ماده ۸ اعلامیه مقرر می‌دارد: «دولت‌ها باید در سطح ملی کلیه اقدامات لازم برای تحقق حق بر توسعه را انجام دهند؛ از جمله بایستی برابری فرصت‌ها برای همه در دسترسی به آموزش، خدمات بهداشتی، غذا و مسکن را تضمین نمایند». در این سند، توسعه فراتر از ابعاد اقتصادی معرفی شده و شامل ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز شده است. بنابراین در زمینه توسعه، تحول مفهومی از توسعه اقتصادی به توسعه انسانی رخ داده است (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷: ۴۱۴).

^۲ Self Determination.

مفهوم جمعی، مفهوم فردی نیز دارد (صلح چی، ۱۳۹۲: ۱۵۱) هر چند درباره حق بر توسعه همچون دیگر مصادیق حقوق همبستگی یا به اصطلاح نسل سوم از حقوق بشر تردیدهایی وجود دارد (انصاری، ۱۳۹۱: ۱۷۷). اما حق توسعه جزئی از حقوق بشر می باشد و یک حق اساسی است که ضامن آزادی و پیشرفت، عدالت و خلاقیت انسان هاست (مولایی، ۱۳۸۱: ۵۴). در این راستا، مرتبط ساختن حقوق بشر و توسعه در سیاستگذاری و مباحث نظری از طریق دو روش مهم انجام گرفته است. اول، روش حق محور توسعه تاکید می کند حقوق بشر در توسعه پایدار انسانی ادغام شود. این تعریف از توسعه در زمینه روندها و مشارکت اخیراً در گفتمان جهانی در زمینه توسعه خیلی پر نفوذ شده است. نقطه مرکزی این رهیافت به توسعه چیزی است که به رهیافت حقوق بشری در کمک های توسعه ای مشهور شده است (Okafor، ۸۷۰: ۱۹۹۵) و خواستار قاعده مند کردن همکاری های توسعه بین المللی و کمک های توسعه رسمی از طریق چارچوب های توافق شده قوانین حقوق بشر بین المللی است (Frankovits، ۱۹۹۸). چنین چارچوبی ارائه کمک های توسعه ای را بر اساس اولویت هایی که باید مورد توجه قرار گیرند، قاعده مند می سازد که شامل تعهدات همزمان کمک کننده و روندهایی که برای ارزیابی کمک های توسعه ای لازم است (Marks)، (۲۷-۲۸: ۲۰۰۴). دومین رهیافت، حق بر توسعه را ذاتاً یک حق بشری می داند که ناشی از تلقی یک مفهوم جامع از حقوق بشر به عنوان مجموعه ای از حقوق مرتبط با هم تفکیک ناپذیر است. این رهیافت باور دارد که توسعه عواقب اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داشته و این حقوق در هیچ حوزه ای به نحو کامل محقق نمی شود، مگر همزمان در سایر حوزه ها محقق شده باشد. در واقع این کشورها و مردم می توانند به عنوان یک حق بشری نیز علیه کشورهای دیگر یا جامعه بین المللی مطالبه توسعه داشته باشند که به نوبه خود یک تغییر گفتمانی^۱ در حقوق بشر ارتدوکس و نشانگر یک گرایش تساوی طلب^۲ در نظام حقوق بشر بین المللی به حساب می آید. لذا اعلامیه حق بر توسعه را به مثابه فشار برای وارد کردن یک دستور کار مشخص حقوق جمعی غیر غربی در نظام حقوق بشر بین المللی می دانند.

۱. Paradigm Shift.

۲. Egalitarian Orientation.

با این وجود، حق بر توسعه یکی از انواع حقوق اساسی ملت ها و دولت هاست که اسناد حقوق بشری و معاهدات بین المللی آن را به عنوان حق ذاتی تمامی انسان ها برای تسهیم عادلانه اموال و خدمات یاد می کنند (مولایی، ۱۳۸۱: ۵۴). در این خصوص پروفیسور محمد بجاوی، حقوقدان افریقایی و رئیس اسبق دیوان بین المللی دادگستری بیان می کند: «حق بر توسعه اثر طبیعی حق تعیین سرنوشت است که موجب همبستگی بین المللی می شود و پیوستگی دولت ها را معنا می بخشد». به عقیده او به دلیل آن که حق حاکمیت دولت ها و حق تعیین سرنوشت جزو قواعد آمره حقوق بین الملل هستند، حق بر توسعه که حاصل این قواعد است نیز از وصف آمره برخوردار است (Bedjaoui)، (۱۲۵۰: ۱۹۹۱). مقدمه منشور سازمان ملل متحد «حق بر توسعه» دولت ها را «برای پیشرفت اجتماعی و ارتقای استانداردهای بهتر زندگی بشر» در قالب «حقوق بنیادین بشر» به رسمیت می شناسد (مقدمه منشور ملل متحد).^۱ همچنین بند یک ماده ۲۲ منشور افریقایی حقوق بشر «حق بر توسعه» را یک حق فردی و جمعی می داند.^۲ به سخن دیگر، بین رعایت حقوق بشر و برقراری صلح و ایجاد توسعه، ارتباط مستقیمی وجود دارد. از آنجایی که تمامی حقوق مندرج در نسل ها برای حمایت از فرد و ارزش و کرامت ذاتی بشر بوده است که به دلیل خصیصه وابستگی و آثار متقابل و جدایی ناپذیرشان، هیچ یک بر دیگری برتری نخواهد داشت.

بخش چهارم: حق بر توسعه و ضرورت دستیابی به انرژی

در طی دهه های اخیر توجه ویژه ای به توسعه استفاده از منابع انرژی هسته ای مبذول شده است. حال پرسشی که باید به آن پاسخ گفت چرایی این مسئله است که در اینجا مروری کوتاه بر ضرورت دسترسی و استفاده از انرژی ارائه خواهد شد. امروزه مولفه های اصلی

۱. افزون بر مقدمه، در بند ۳ ماده ۱ و نیز در فصل نهم منشور و در مواد ۵۵ و ۵۶ که بر اهمیت ایجاد ثبات و رفاه و گشودن عرصه های همکاری در این زمینه تاکید می نماید و حتی در قطعنامه های ۱۱۶۱ مصوب ۱۹۵۷، قطعنامه ۳۶/۱۳۳ مصوب ۱۹۸۱، قطعنامه ۴۱/۱۲۸ چهارم دسامبر ۱۹۸۶، قطعنامه ۴۴/۶۲ مصوب ۱۹۸۹، قطعنامه ۵۰/۱۸۴ مصوب ۱۹۹۵ مجمع عمومی، اعلامیه های جهانی و منطقه ای از جمله مواد ۱۲ و ۱۳ اعلامیه کنفرانس بین المللی حقوق بشر تهران، اعلامیه پیشرفت و توسعه اجتماعی سال ۱۹۶۹ مجمع عمومی، و مواد ۷۲، ۷۳ و ۷۴ اعلامیه و برنامه عمل وین مصوب کنفرانس جهانی حقوق بشر ۱۹۹۳، ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده اول میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نیز به صورت صریح یا ضمنی مفهوم حق بر توسعه مورد اشاره قرار گرفته است.

^۲. The African Charter on Human and People Rights.

قدرت ملی یک کشور را چهار مقوله قدرت علمی و فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی تعیین می کنند. هر چند در خصوص نسبت ارجحیت هر یک از این قدرت های چهارگانه بحث های مختلفی وجود دارد، اما بدون شک این چهار مقوله با هم تعامل تنگاتنگ داشته و بر یکدیگر تاثیرگذار هستند. رهیافت های علمی و پژوهشی در زمینه انرژی و دسترسی به فناوری های نوین انرژی، به ویژه انرژی هسته ای، از جمله موارد مهم و تاثیرگذاری هستند که در ارتقاء هر یک از چهار مقوله مزبور ایفای نقش می نمایند. تاثیر و جایگاه انرژی در تامین رفاه و پیشرفت زندگی بشر غیر قابل اجتناب است و داشتن منابع مختلف تامین انرژی و استفاده بهینه از آنها جزء رویکرد اصلی دولت ها جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشور متبوع شان است (قرشی، صدیق زاده، ۱۳۹۴: ۲۰۶). بنابراین تامین بسیاری از نیازهای اولیه بشری از طریق دسترسی به خدمات انرژی محقق می شود و فقدان دسترسی به خدمات مدرن انرژی، مانعی جدی برای تحقق توسعه اقتصادی و اجتماعی است (Ambihaipahar)، (۱: ۲۰۱۴). مقوله انرژی ارتباط تنگاتنگی با توسعه دارد؛ چرا که انرژی امکان تحقق توسعه را فراهم می سازد و توسعه از طریق استفاده هر چه بیشتر از انرژی ممکن می گردد (عبدلی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۰) و پیش شرط تحقق بسیاری از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دسترسی به انرژی است (Tully)، (۵۴۷: ۲۰۰۶). دسترسی به خدمات انرژی، ارتباط مستقیمی با کاهش فقر عمومی نیز دارد (Bradbrook)، (۱: ۲۰۰۶). پس، نمی توان از جایگاه بلند حقوق انرژی در دستیابی به توسعه غافل شد. البته ارزیابی نقش حقوق انرژی در تحقق آرمان ها و اهداف توسعه، بستگی تام به این دارد که کدام برداشت از مفهوم توسعه، حق بر توسعه به مثابه حق دولتی یا حق بر توسعه به مثابه حق بشری، مبنای استنباط و تحلیل قرار گیرد.

بند اول: حق بر توسعه بر مبنای رویکرد دولت محور

بر اساس رویکرد دولت محور به مقوله توسعه، کشورهای در حال توسعه در حوزه حقوق انرژی با چالش دو جانبه حق توسعه اقتصادی و حقوق محیط زیست مواجه هستند. از یک طرف آنها به دنبال رشد اقتصادی بالا، افزایش درآمد سرانه و کاهش فقر عمومی هستند (توسعه اقتصادی) و از سوی دیگر، همزمان می بایست در تحول جهانی به سمت سیستم های انرژی کم کربن (توسعه زیست محیطی) مشارکت نمایند (Ahuja et al)، (۱: ۲۰۰۹).

اگرچه اهداف و آرمان های حقوق بین الملل انرژی زمانی محقق خواهد شد که هر دو هدف، هم زمان محقق شوند، اما دستیابی همزمان به هر دو هدف با توجه به طرفین کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته در عمل دشوار است. در این صورت کشورهای مذکور می بایستی بین دو هدف متعارض توسعه اقتصادی و رعایت ملاحظات زیست محیطی اولویت را به یکی دهند. از آنجایی که حق بر توسعه نسبت به حق برخورداری از محیط زیست سالم از قوام کمتری برخوردار است (افتخار جهرمی، ۱۳۸۸: ۷). توسعه اقتصادی بایستی منطبق با الزامات زیست محیطی باشد، نه اینکه حفاظت از محیط زیست با اهداف توسعه اقتصادی مرتبط باشد (رمضانی قوام آبادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۹۱). اما کشورهای در حال توسعه که عمدتاً خواستار رشد اقتصادی هستند، به واسطه هزینه های عمدتاً سنگین آن تمایل کمتری به رعایت استانداردهای محیط زیستی دارند (شهبازی، ۱۳۸۹: ۳۳). و همواره به دنبال اولویت اول، یعنی توسعه اقتصادی هستند (Ngosso)، (۴: ۲۰۱۳). چرا که به عقیده آنها، هر دولتی حق دارد با اتکا به قوای خود بدون خدشه به حقوق سایر دولت ها، به هر نحو که می داند، توسعه یابد (هومن فلدرن، ۱۳۸۴: ۱۱). با این برداشت، برای کشورهای در حال توسعه، دستیابی به حداقل میزان توسعه لازم برای ادامه حیات اقتصادی کشور بر حفاظت از محیط زیست اولویت دارد.

بند دوم: حق بر توسعه بر مبنای رویکرد حقوق بشر

اگرچه حق بر توسعه مفهومی فراگیرتر از رشد اقتصادی را دربر می گیرد و امروزه عناصر فرهنگی، سیاسی و اجتماعی شامل این حق می گردند، ولی سیر تکوینی این مفهوم گواه بر این مدعاست که توسعه اقتصادی و توسعه شاخص های رفاهی در هسته تعریف این حق قرار می گیرد. از این رو، حق بر توسعه همانگونه که از یک سو از زیر مجموعه های حقوق بین الملل اقتصادی قرار می گیرد و از سوی دیگر یکی از مولفه های حقوق بشری تحت عنوان نسل سوم حقوق بشر با عنوان حقوق همبستگی ارتباط پیدا می کند (خرازی، ۱۳۸۴: ۴۰). به لحاظ تاریخی، نخستین بار به طور ضمنی در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مقوله دسترسی به خدمات انرژی به عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر مطرح شد. ماده (۱) ۱۱ آن مقرر می دارد: «همه افراد انسانی حق برخورداری از استاندارد کافی زندگی در زمینه بهداشت و رفاه خود و خانواده خود شامل غذا، لباس، مسکن، مراقبت پزشکی و خدمات اجتماعی

ضروری را دارند. مطابق با نظر کمیته میثاق، این حق شامل دسترسی مستمر به انرژی، به ویژه انرژی الکتریسیته لازم برای پخت و پز، گرمایش و روشنایی است (Tully)، (۵۳۸: ۲۰۰۶). افزون بر این، ماده (۱-ب) ۱۵ میثاق، حق همگان به بهره مندی از منافع پیشرفت های علمی را به رسمیت می شناسد که می تواند شامل پیشرفت های رخ داده در حوزه بهره مندی از خدمات انرژی نیز باشد. در ادامه، این حق به طور ضمنی در اسناد منطقه ای، مثل اعلامیه آسه آن در خصوص حقوق بشر، منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق ها و پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر منعکس شد (Solis)، (۵۵: ۲۰۱۴). هر چند در اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد (۲۰۰۰) اشاره صریحی به خدمات انرژی انجام نگرفت. با وجود این، دسترسی به خدمات مدرن انرژی به طور اساسی با دستیابی به اهداف بین المللی توسعه مندرج در اعلامیه هزاره ارتباط دارد (Solis)، (۱: ۲۰۱۴). در واقع، هیچ یک از اهداف هزاره نمی تواند بدون دسترسی کافی به خدمات انرژی محقق شود.^۱ فقدان دسترسی به خدمات انرژی مانعی سخت برای تحقق حقوق بشر و دستیابی به اهداف اعلامیه هزاره سازمان ملل متحد است (Ambihaipahar)، (۱: ۲۰۱۴). از آن تاریخ به بعد، دسترسی به خدمات انرژی به طور فزاینده ای به عنوان پیش شرط برخورداری کامل از حقوق بشر قلمداد شده است؛ به گونه ای که در آپریل ۲۰۱۰، گروه تخصصی سازمان ملل متحد، تحقق دسترسی جهانی به خدمات مدرن انرژی تا سال ۲۰۳۰ را از دبیرکل درخواست کرد. در این راستا، سازمان ملل متحد، حتی تا جایی پیشرفت کرد که اعلام کرد دسترسی به انرژی نقش محوری و اساسی در تحقق توسعه پایدار فراهم می سازد.

در حالی که دسترسی به انرژی برای تحقق مصادیق حقوق بشری، از جمله حق بر توسعه ضروری است، تاکنون دسترسی به آن مستقلاً و مستقیماً در اسناد بین المللی جزو مصادیق حقوق بشر شناخته نشده است (سواد کوهی فر، ۱۳۹۱: ۳۲). در واقع، با وجود اینکه قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۳، دهه ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴ را دهه «انرژی پایدار برای

۱. سازمان ملل متحد، «ایده انرژی پایدار برای همه، را مطرح کرد که روی سه هدف مرتبط با هم متمرکز است: ۱. ارتقای دسترسی جهانی به خدمات مدرن انرژی؛ ۲. توسعه میراث کارایی انرژی؛ ۳. افزایش استفاده از انرژی های تجدیدپذیر.

همه» نامید، هنوز بین دسترسی به خدمات انرژی و نظام حقوق بشر ارتباط کافی و الزام آور وجود ندارد (Muigua)، (۶۷: ۲۰۱۳). البته بایستی از تلاش هایی که در سطح منطقه ای در این خصوص انجام شده است، غافل شد. اتحادیه اروپا در حال اتخاذ این رویکرد است که دسترسی به انرژی مقرون به صرفه، می بایست حق بنیادین شهروندان اتحادیه اروپا قلمداد شود و در اصلاحات بعدی منشور اتحادیه اروپا گنجانده شود (Aviles)، (۸: ۲۰۱۲). با این اوصاف، اتحادیه اروپا می کوشد تا مقوله حقوق بشر را با انرژی ادغام نماید (Council of The European Union)، (۲: ۲۰۱۲). رهبری اتحادیه اروپا در وارد ساختن حق دسترسی به انرژی به فلمر و بنیادین حقوق بشر، بی گمان نقش آن اتحادیه را در ترویج حقوق بشر ارتقا خواهد داد. بنابراین در این رابطه، نخست باید بازتعریفی از مفهوم توسعه انجام شود. توسعه بایستی چنان تعریف شد که هم بعد اقتصادی و هم بعد انسانی را دربر گیرد. بعد اقتصادی توسعه مستلزم حق دولت های در حال توسعه در قبال دولت های توسعه یافته ای است که به موجب آن بایستی زیرساخت های توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه با مشارکت دولت های توسعه یافته شکل بگیرد تا همه دولت ها در فرایند های توسعه از فرصتی برابر در ایجاد حداقل نیازهای مادی اولیه شهروندان خود برخوردار باشند. بعد بشری توسعه به سمت تحقق حقوق بشر و آزادی های بنیادین متمایل است؛ یعنی فرایندهای توسعه بایستی آثار حقوق بشری داشته باشد (Ngooso)، (۴: ۲۰۱۳). به عبارت دیگر، دولت بایستی توسعه اقتصادی خود را با لحاظ توسعه انسانی جامعه محقق سازد تا توسعه آن کشور تاثیر مثبتی بر تحقق حقوق بشر شهروندانش نیز داشته باشد. بنابراین، رویکرد درست به توسعه بایستی لزوماً شامل هر دو بعد شود و توسعه، تلفیقی از توسعه دولت محور و بشر محور باشد. افزون بر این، اصل حاکمیت دولت ها بر منابع طبیعی، ایجاب می کند که دولت ها صلاحیت تنظیم مقررات لازم برای بهره برداری از منابع انرژی در محدوده سرزمینی شان را داشته باشند، مگر در مواردی که حقوق بین الملل آن ها را ممنوع کرده باشد (موسوی، پیری دمق، ۱۳۹۴: ۲۶۷). این اصل نه فقط در اعلامیه های مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۱ تاکید شده است، بلکه به

^۱ برای مثال: General Assembly Resolution ۱۸۰۳ (XVII), Permanent Sovereignty over

طور گسترده در «رویه عملی دولت‌ها»^۱ به رسمیت شناخته شده است و نیز در سایر منابع حقوق بین‌الملل از جمله در برخی اسناد مهم حقوق بشری و اعلامیه‌های مرتبط با محیط زیست به صورت صریح و ضمنی مورد تأکید قرار گرفته است.

بخش پنجم: چالش ایران در زمینه انرژی در راستای حق بر توسعه

پس از مروری مختصر بر ضرورت استفاده از منابع انرژی در راستای حق بر توسعه، بررسی مشکلات و چالش‌هایی که در جهان و خصوصاً ایران راجع به انرژی وجود دارد در تبیین نظام حقوقی آن امری راهگشا خواهد بود. جدا از افزایش میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای و اثرات مخرب آن بر محیط زیست، محدود بودن منابع انرژی فسیلی به خاطر افزایش مصرف جهانی و نیز مسأله تأمین انرژی، انرژی نه تنها یکی از مهم‌ترین مسائل کلیدی توسعه اقتصادی در تجارت بین‌المللی، بلکه عنصر اصلی توسعه پایدار و تغییرات اقلیمی است (Walde، ۲۰۰۲: ۱۲۱). در این موضوع که انرژی برای رشد اقتصادی پایدار و بهبود رفاه انسان ضروری بوده و انرژی هسته‌ای دسترسی به انرژی پاک، مطمئن و ارزان را برای مقابله با آثار منفی تغییرات اقلیمی فراهم می‌سازد، تردیدی وجود ندارد (<http://www.org/topics/energy>). بر این اساس، با روبرو پایان بودن انرژی‌های فسیلی؛ بسیاری از کشورها در پی انرژی‌های جایگزین برای آن هستند که انرژی هسته‌ای یکی از جایگزین‌های مطرح در این زمینه است و انتقال فناوری لازمه دستیابی به فناوری‌های نوین است که از رهگذر آن، رسیدن به توسعه پایدار امکان‌پذیر می‌شود. در همین حال مسئله انرژی نیز از جنبه‌های جدایی‌ناپذیر توسعه به شمار می‌آید؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت، کشوری که بتواند در تولید انرژی موفق باشد، در عرصه توسعه نیز موفق خواهد بود (Mianga، ۲۶۷: ۲۰۰۷). پس علم و فناوری هسته‌ای می‌تواند نقش مهمی در رشد اقتصاد و حمایت از توسعه پایدار^۲ ایفا کند. طی سال ۲۰۱۵، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز کشورهای عضو را تشویق کرد تا از علم و فناوری هسته‌ای برای دستیابی به اهداف توسعه خود و حل و فصل بسیاری از چالش‌های جهانی از برطرف کردن نیازهای انرژی در حال رشد و حفاظت از محیط زیست تا بهبود امنیت قضایی و سلامت

^۱. State Practice

^۲ Sustainable Development Goals (SDG)

انسان، به شیوه ای پایدار استفاده کنند (IAEA Annual Report)، (۱: ۲۰۱۵). در عین حال، تامین انرژی از منابع سوخت های فسیلی تا زمانی دارای اولویت خواهد بود که در مقایسه با سایر منابع انرژی، همچون انرژی هسته ای، انرژی های تجدیدپذیر مقرون به صرفه باشند. ادامه روند متغیر قیمت نفت موجب تسریع در برنامه های جایگزینی، بهینه سازی مصرف سوخت و در نهایت تلاش هر چه بیشتر جهت کم شدن وابستگی اقتصاد جهانی به نفت می شود. در حال حاضر تناسبی بین کشف ذخایر فسیلی و ضریب مصرف وجود ندارد. ازدیاد جمعیت جهان که طبق محاسبات گزارش شده تا سال ۲۰۲۵ میلادی به ۸ میلیارد نفر خواهد رسید از یک طرف و رشد اقتصادی از طرف دیگر، بالا رفتن مصرف انرژی را اجتناب ناپذیر می نماید. دگرگونی های ژرفی که در طی قرن حاضر در نحوه زندگی انسان رخ داده است و همچنین تکنولوژی های نوین همچون اطلاعات، ارتباطات، بیوتکنولوژی، نانو و... که به تازگی عرصه گسترده ای را در علوم و فنون به خود اختصاص داده اند، نه تنها از اهمیت و نقش دیرین انرژی و تکنولوژی های مرتبط نکاسته اند بلکه چشم انداز کنونی نشان می دهد که این مقوله در آینده نیز واجد اهمیت فوق العاده خواهد بود (قرشی، صدیق زاده، ۱۳۹۴: ۲۰۷). در شرایط فعلی، اکثر کشورهای جهان خصوصاً کشورهای اروپایی با چالش عمده در زمینه سیاست انرژی مواجه هستند. واقعیت این است که مصرف انرژی در ایران نیز در سال های گذشته کما بیش چند برابر شده و حتی از ۹۰ میلیون معادل بشکه نفت در سال ۱۹۷۱ به بیش از ۷۰۰ میلیون بشکه در سال ۲۰۰۱ رسیده است. یعنی نرخ رشد سالانه مصرف انرژی ۷/۸ درصد بوده است. چنین رشد مصرف شگفت آوری را نه می توان پیامد صنعتی شدن و کارآمدتر شدن اقتصادی کشور دانست، نه پرده پوشی دو شکل اساسی و ساختاری آن، یکی اینکه این رشد لگام گسیخته در بخش های غیر تولیدی رخ داده و دیگر اینکه شدت مصرف انرژی (میزان مصرف انرژی تقسیم بر میزان تولید ناخالص ملی). در هر بخش جامعه نیز برخلاف روند شدت مصرف انرژی همواره گرایش به مصرف انرژی را با گسترش بی برنامه منابع اولیه انرژی هسته ای که در پرتو پیشرفت ها در بخش تکنولوژی اکنون مانند انرژی های آبی، بادی و خورشیدی به عنوان مناسب ترین انرژی ها مورد توجه جهانیان قرار گرفته است (مولود احمد، ۱۳۸۵: ۱۸۷). در هر حال، میزان مصرف انرژی در جهان در هر دهه به دو برابر

افزایش یافته است و برآوردها حاکی از آن است که مصرف جهانی انرژی تا سال ۲۰۳۵ میلادی، بیش از ۵۸ درصد افزایش خواهد یافت و جالب توجه اینکه در این چشم انداز، بیشترین میزان مصرف انرژی در کشورهای در حال توسعه است (Key World Energy Statistics, ۲۰۱۴). با توجه به این واقعیت ها، تحقیقات گسترده در مورد انرژی و منابع جایگزین مناسب از ضروریات اولیه محسوب می شوند. این یافته ها که دستاورد بررسی، تجزیه و تحلیل، مقایسه انجام شده بین انواع مختلف حامل های انرژی و وضعیت هر یک از آنها در کشور است، به عنوان مهم ترین علل تکامل تکنولوژی مدرن تلقی می شوند و اهمیت پژوهش، سامان بخشیدن و تدوین مسئولیت ها در این راستا را آشکار می سازند. امروزه توسعه بهره برداری هر چه بهتر و بیشتر از منابع انرژی های تجدید پذیر همچون انرژی خورشید و باد، در دستور کار و برنامه های راهبردی کشورها از جمله ایران قرار گرفته است. اتخاذ اینگونه راهکارها هر چند ضروری است؛ ولی مطمئناً دغدغه چگونگی تامین مصرف روزافزون انرژی جوامع در درازمدت و حتی کوتاه مدت را مرتفع نمی سازد. بسیاری از کشورهای جهان سالهاست که کاربرد انرژی هسته ای را عملیاتی کرده اند. در حالی که دستیابی به دانش فنی و تکنولوژی انرژی هسته ای به معنای برخورداری از منابع ارزان انرژی برای هر کشور از جمله ایران خواهد بود و می تواند از دید اقتصادی کشور را به جلو ببرد. در حال حاضر ۴۳۰ نیروگاه با ظرفیتی در حدود ۳۷۲۰۰۰ مگاوات در سطح جهان در حال بهره برداری است. مضافاً اینکه ۶۲ نیروگاه هسته ای با ظرفیتی در حدود ۵۹۰۰۰ مگاوات نیز در دست احداث است. پژوهشگران و کارشناسان بین المللی معتقدند که پیشرفت های تکنولوژیک در آینده نیز می تواند هزینه نیروگاه های هسته ای را کاهش دهد. از همین رو ساخت اینگونه نیروگاه ها از جمله در ایران توجیه اقتصادی دارد. روند رو به رشد ساخت نیروگاه های هسته ای در کشورهای پیشرفته و تازه صنعتی شده نیز نشان می دهد که بهره گیری از اینگونه انرژی تا چه اندازه مورد توجه است. آمریکا، اعضای اتحادیه اروپا، روسیه، چین و... سخت در پی بهره گیری هر چه بیشتر از انرژی هسته ای هستند. با وجود این، همین کشورها در راه تلاش جمهوری اسلامی ایران برای بهره گیری از این انرژی سنگ اندازی می کنند (مولود احمد، همان). بنابراین اهمیت هر تکنولوژی با توان آن برای پاسخگویی به اهداف توسعه سیاسی،

اقتصادی و صنعتی و تکنولوژیک هر کشور نمایان می گردد. مقایسه روند کنونی کاربرد تکنولوژی صلح آمیز در جهان و توسعه آن در آینده با شرایط موجود هسته ای در ایران، روشن می سازد. با وجود توفیق های نسبی در ایجاد زیربنای و افزایش کاربردهای گوناگون تکنولوژی هسته ای در چارچوب برنامه های پنج ساله توسعه، هنوز با کشورهای پیشرفته در این زمینه فاصله بسیار است و سالهای آینده نیز با توجه به توسعه تکنولوژی های کاربرد هسته ای در جهان در فرایند توسعه بخش های اجتماعی و اقتصادی کشور، افزایش کاربرد تکنولوژی های هسته ای در بخش های صنعتی، کشاورزی، پزشکی و خدماتی گریزناپذیر خواهد بود.

با این وجود، تحریم انرژی نفتی ایران و اخیراً گاز با توجه به وابستگی اقتصاد ایران به این محصول و صادرات آن همواره به عنوان یک ابزار فشار از سوی جامعه بین المللی به ویژه آمریکا به کار رفته است. از آنجایی که ایران یکی از تولیدکنندگان نفت با دومین منابع عظیم گاز (Rivlin)، (۱۰۳: ۲۰۰۶). و سومین دارنده منابع نفت خام جهان است و بخش بزرگی از درآمدهای کشور از بخش درآمدهای نفتی بوده است، اعمال تحریم ها در این حوزه به ویژه پس از وضع تحریم های اتحادیه اروپا، اثرات منفی شدیدی بر درآمد و سطح رشد و توسعه کشور داشته است به طوری که صادرات کل نفت ایران در مارس ۲۰۱۳، اندکی بیشتر از یک میلیون بشکه در روز بود که دو و نیم بشکه در روز، در سال ۲۰۱۱ کمتر بود و این موجب کاهش درآمد ایران از ۹۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ به ۶۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ شد (Katzman)، (۱۵: ۲۰۰۶). اتحادیه اروپا نیز با ادعای ارتباط احتمالی میان درآمدهای بخش انرژی ایران و تامین مالی پروژه های هسته ای به تحریم نفتی ایران مبادرت کرده است (بیری گنبد، ۱۳۹۱: ۲).

افزون بر این، تحریم انرژی آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران به دلیل وابستگی شدید اقتصاد ایران به صادرات انرژی، اثرات شدیدی را در سطح توسعه و رفاه کشور داشته است. کاهش ارزش و اعتبار پول ملی، کاهش رشد اقتصادی، تورم، بیکاری، کاهش توانایی دولت برای فراهم کردن رفاه اعضای جامعه و.... در اثر تحریم ها علیه ایران و به ویژه تحریم نفت و گاز بوده است (زمانی و مظاهری، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

همچنین با توجه به مصوبات و قطعنامه های صادره از سوی شورای امنیت، آمریکا و اتحادیه اروپا در حوزه تکنولوژی، تحریم می توانند، اثرات متعددی را بر جای گذارند. از جمله آنها می توان به محدودیت ها و موانعی اشاره کرد که بر سر راه انتقال و بهره برداری از تکنولوژی های ضروری مورد نیاز در داخل مانند قطعات و تجهیزات مرتبط با صنعت نفت و گاز اشاره نمود حال آنکه تعهد به انتقال تکنولوژی امروزه به عنوان یک تعهد فرعی در حقوق بین الملل شناخته می شود که افزون بر قطعنامه های متعدد صادره از آنکتاد و مجمع عمومی سازمان ملل متحد از جمله قطعنامه های ۳۲۰۱ و ۳۲۸۱، در کنوانسیون های محیط زیستی و در معاهدات متفاوتی از جمله مواد ۶۶ و ۶۷ موافقت نامه ترپس سازمان جهانی تجارت و مواد ۴ و ۵ معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای (NPT) تدوین شده است و تحریم ها در این زمینه ناقض این تعهد هستند (مشهدی، رشیدی، ۱۳۹۴: ۱۱۹). پس اعمال این نوع تحریم ها بر یک کشور در تضادی آشکار با هر دو گزاره حق بر توسعه است. همچنین، منافی با برقراری همکاری های بین المللی در شرایط عادلانه و منصفانه بر اساس میثاق بین المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مصوب ۱۹۶۶) ناقض حق توسعه اقتصادی کشورها به موجب منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولت ها (۱۹۷۷) و مخالف با مقررات سازمان تجارت جهانی (مصوب ۱۹۹۵) است که طلایه دار بسط و توسعه نظام تجارت آزاد متکی بر چند جانبه گرایی در سطح بین المللی می باشد (آرایی، میرزا امرجی، ۱۳۹۶: ۱۳۳).

با توجه به آنچه قبلاً بیان شد حق بر توسعه همان گونه که از سویی زیر مجموعه حقوق بین الملل اقتصادی است، از سوی دیگر، یکی از مولفه های حقوق بشر تحت عنوان نسل سوم حقوق بشر است که با عنوان حقوق همبستگی ارتباط دارد (خواجی، ۱۳۹۱: ۱۶). «حق بر توسعه دارای دو گزاره است: ۱. تلاش کشورها برای توسعه شان باید ورد احترام سایر دولت ها و سازمان ها قرار بگیرد (حق منفی). ۲. باید کشورهای توسعه یافته تمامی تلاش های مادی و تکنولوژیک خود را برای کمک به کشورهای جنوب در حال توسعه مصروف دارند (حق مثبت)» (غمامی، ۱۳۹۲: ۱۰۱). در این رابطه، یکی از مسائل بحث برانگیزی که مطرح شده است اینکه آیا حق بر توسعه حقی حقوقی است و یا یک امر اخلاقی؟ اختلافی که آنکتاد با کشورهای توسعه یافته داشته است نیز به این سوال بر می گردد. شاید یکی از علت های

مخالفت کشورهای توسعه یافته مثل آمریکا با حق بر توسعه در این نکته نهفته باشد که آمریکا با دادن رای منفی به قطع نامه حق بر توسعه معتقد بود که حق بر توسعه نمی تواند جزو حقوق بشر باشد؛ زیرا مصادیق حقوق بشر حالت آمرانه و الزامی دارند، ولی توسعه این ویژگی را ندارد. پس نمی توان آن را حق تلقی کرد. و آنها راه حل را در آن دیدند که توسعه را جزو حقوق بشر قلمداد نکنند و آن را از دایره حقوق بین الملل نیز خارج نمایند. اما استدلال آنکند آن بود که توسعه کشورهای پیشرفته به قیمت عدم توسعه کشورهای جهان سوم تمام شده است. آنها از امکانات سایر کشورها بهره گرفته اند تا به این درجه از رشد و توسعه رسیده اند. بنابراین کشورهای توسعه یافته «وظیفه» دارند و در مقابل ما «حق» داریم (راعی، ۱۳۸۰: ۶۷). در عین حال، در مقدمه و ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد با تاکید بر اصل همکاری و تعاون به نوعی بر «حق» بودن توسعه مبتنی هستند و از این اسناد می توان استفاده کرد که تلقی مجامع بین المللی از توسعه به صورت «حق و تکلیف» می باشد و کم تر به صورت یک امر اخلاقی مطرح می شود. هر چند عملکرد کشورهای توسعه یافته نشان داده است که اصل تعاون و همکاری را تا آنجا که برای آن ها تکلیف ایجاد نکند، قبول دارند. در نهایت اگر بتوان اثبات کرد که توسعه جزو حقوق بین الملل است، آن هم بواسطه این که زیرمجموعه حقوق بشر می باشد، طبعاً «حق بودن» آن را نیز خود به خود اثبات کرده ایم. تقریباً بیشتر کشورها به قطعنامه مذکور رای موافق داده اند. این حاکی از نگرش کشورها به این نکته است که حق بر توسعه به عنوان گروه دوم حقوق بشر پذیرفته شده است؛ یعنی حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی. که می توان از طریق سازوکارهای بین المللی و منطقه ای و ناحیه ای و با حضور فعال و جدی و اتحاد مواضع، این تکلیف را در صحنه عمل به اجرا درآورد.

بخش ششم: توسعه صلح آمیز انرژی هسته ای ایران در راستای حق بر توسعه

برای طرح مسئله در قالب حق بر توسعه در اینجا باید به تعهدات حقوقی دولت های هسته ای که هم جنبه سلبی و هم ایجابی دارد، در راستای توسعه هسته ای سایر کشورها از جمله کشورهای در حال توسعه مثل ایران اشاره کرد. بررسی های محققان نشان می دهد که هدف از الحاق کشورهای در حال توسعه به معاهده ان. پی. تی بهره مندی از حقوقی است که این معاهده برای توسعه، تحقیقات، تولید و بهره مندی صلح آمیز از انرژی هسته ای در اختیار آنها

می‌گذارد و دولت‌های توسعه یافته را به ایجاد زمینه مساعد برای مبادله اطلاعات و انتقال فناوری‌های هسته‌ای ملزم می‌سازد و قدرت‌های هسته‌ای را مکلف کرده است که با توجه به نیازهای کشورهای در حال توسعه، آنها را در استفاده صلح آمیز از آن یاری رسانند (حسن بیگی، حسینی، ۱۳۹۳: ۸۷)، زیرا بدون کمک کشورهای با توان هسته‌ای بالا و همچنین بی توجهی به تعهد آنها مبنی بر کمک‌های فنی به توسعه کشورهایی که خواهان استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای هستند، این مهم امکان پذیر نخواهد بود، در حالی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، به حق برخورداری از توسعه برای همه ملت‌ها برای رسیدن به رشد و پیشرفت و غلبه بر معضل عقب ماندگی تاکید فراوانی شده است. دولت‌ها نیز ملزم شده‌اند در این راستا از هیچ تلاشی فروگذار نکنند (پشمی، بلوری، سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۹: ۶۷). این تعهد مربوط به انتقال فناوری که در پاراگراف دوم ماده ۴ معاهده ان پی تی آمده است در واقع، در مقابل تکالیف و محدودیت‌هایی که نظام اشاعه نکردن بر دوش دولت‌های در حال توسعه گذاشت، تنها تعهدی است که قدرت‌های هسته‌ای متقبل شده‌اند. بر این مبنا کشورهای در حال توسعه از جمله ایران می‌توانند این حق را برای خود محفوظ دارند که «انتقال فناوری هسته‌ای صلح آمیز» را از قدرت‌های هسته‌ای مطالبه نمایند. اما در عمل استیفای این حق همواره با مناقشه مواجه بوده است، زیرا برداشتی که قدرت‌های هسته‌ای از مواد ۱ تا ۷ این معاهده دارند این است که جهت گیری معاهده به نفع منع گسترش تسلیحات اتمی است و حقوق مورد ادعای کشورهای در حال توسعه مثل ایران (در پاراگراف دوم ماده ۴) انتقال فناوری هسته‌ای را مجاز شمرده که تنها در سایه تکالیف منع گسترش تسلیحات قابل حصول است (مولایی، ۱۳۷۶: ۷۴).

در «توافقنامه موقت ژنو راجع به برنامه هسته‌ای ایران»^۱ با نام رسمی «برنامه اقدام مشترک»^۲ به عنوان توافق میان ایران و گروه موسوم به ۵+۱ که در سوم آذرماه ۱۳۹۲ (برابر با ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳) پس از حدود ده سال مناقشه بر سر برنامه هسته‌ای ایران برای یک مدت شش ماهه قابل تمدید به امضا طرفین رسید. بر اساس این توافق که ماهیتاً یک موافقتنامه سیاسی و نه حقوقی است، طرفین توافق نمودند که برای رسیدن به یک راه حل جامع بلند مدت و مورد توافق

^۱. Geneva Intrim Agreement on the Iranian Nuclear Program.

^۲. Joint Plan of Action.

طرفین و با هدف تضمین صلح آمیز بودن برنامه هسته ای ایران اقدامات متقابلی را به صورت داوطلبانه به عنوان گام اول یک راه حل جامع انجام دهند. موضوع حق غنی سازی اورانیوم از سوی ایران یکی از موضوعات مورد مناقشه در خلال مذاکرات تدوین این موافقتنامه میان طرفین بود. در حالی که طرف ایرانی بر به رسمیت شناختن حق غنی سازی برای ایران در متن این توافقنامه اصرار داشت، طرف مقابل از پذیرش چنین حقی امتناع می کرد (بابایی، ۱۳۹۴: ۴۹). سرانجام این موضوع در متن توافقنامه مسکوت ماند. این وضعیت موجب شد تا بلافاصله پس از توافق هر یک برداشت و تفسیر مورد نظر خود را از متن توافقنامه ابراز دارد، به طوری که از یک سو مقامات ایرانی از تثبیت حق غنی سازی ایران در توافقنامه ژنو سخن به میان می آورند و در سوی دیگر وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا منکر وجود هرگونه حق غنی سازی به موجب توافقنامه ژنو شد (Aaron)، (۴۷: ۲۰۱۳). بر اساس آنچه از متن این توافق منتشر شده اگرچه این توافقنامه به صراحت به غنی سازی به عنوان یک «حق» برای ایران اشاره مستقیمی ندارد اما با توجه به اینکه طبق تصریح متن توافقنامه ایران در دوره توافقنامه و پس از آن در توافق نهایی همچنان برنامه غنی سازی اورانیوم خواهد داشت، می توان نتیجه گرفت که توافقنامه ژنو نه تنها خدشه ای به حق غنی سازی ایران وارد نمی کند، بلکه عملاً قطعنامه های شورای امنیت را که طبق آنها ایران می بایست کلیه فعالیت های غنی سازی اورانیوم را به حالت تعلیق در می آورد را کنار می گذارد و از این منظر، توافقنامه ژنو دستاوردی مهمی جهت تثبیت حق غنی سازی ایران در راستای حق بر توسعه به شمار می آید.

همچنین در معاهده ان. پی. تی ۱۹۶۸ تاکید شده است که دولت ها مکلف شده اند بر مبنای «حسن نیت» برای ایجاد تسهیلات جهت دسترسی و برخورداری همه کشورها از انرژی هسته ای با یکدیگر همکاری نمایند (ماده ۵ معاهده). در حقیقت، «کشورهای عضو حق ندارند به بهانه احتمال به کارگیری این فناوری برای مقاصد غیر صلح آمیز یا راستی آزمایی، این حق را مخدوش کنند». زیرا این سوء برداشت با روح و مفاد معاهده در تعارض است. نادیده گرفتن حق غنی سازی، به عنوان یک «حق ذاتی» مندرج در معاهده که نقش محوری در برقراری تعادل حقوق و تکالیف دولت ها دارد؛ در واقع زیر سوال بردن اعتبار کلی معاهده خواهد بود. به عبارت دیگر، آژانس و کشورهای مذاکره کننده نمی توانند به بهانه نظارت و راستی

آزمایی، حق تهیه، تولید، و فراوری هسته ای، انتقال فناوری، توسعه و همکاری در زمینه چرخه سوخت را که با مقاصد صلح آمیز صورت می گیرد اسقاط کنند (Neame)، (۷: ۲۰۱۰).

در حقیقت، حق دستیابی به انرژی صلح آمیز هسته ای به عنوان «حق غیر قابل سلب» در اسناد بین المللی نیز مطرح شده است. کما اینکه یکی از اهداف و وظایف آژانس بین المللی انرژی اتمی نیز کمک به دولت های عضو در زمینه توسعه، تحقیق و استفاده از انرژی صلح آمیز هسته ای است و در اعلامیه حق بر توسعه و سایر اسناد و اعلامیه هایی منطقه ای و بین المللی نیز به صراحت بر همکاری و کمک کشورهای توسعه یافته و صاحب فناوری با کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته تاکید شده است. بنابراین، ترویج استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای، چندان جلب توجه قدرت های هسته ای نیست که این می تواند به دلیل غفلت از ماهیت ذاتی حقوق بشر و خصوصاً حق بر توسعه در عرصه بین المللی باشد. اصول کلی حقوقی همچون اصل برابری، اصل آزادی، اصل عدم تبعیض و اصل وفای به عهد، مواردی از این دست به شمار می روند (پشمی، بلوری، سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۹: ۶۷).

پس منطقاً وقتی استفاده از انرژی صلح آمیز هسته ای مستلزم «ساخت و تولید» ابزاری است که این تجهیزات برای تولید انرژی نیازمند سوخت هستند، داشتن فرایند غنی سازی اورانیوم برای تهیه سوخت جزو بخش لاینفک از حقوق هسته ای محسوب می شود. دانیل جوینر در این خصوص می گوید: «اینکه غرب از ایران می خواهد فرایند غنی سازی اورانیوم خود را متوقف کند، در حقیقت زیرپا گذاشتن قواعد حقوق بین الملل است». وی درباره اختلاف حقوقی ایران و ۵+۱ درباره این موضوع که آیا «حق غنی سازی» دارد یا نه؟ می نویسد: «بر اساس معاهده ان پی تی، هر عضو معاهده حق دارد از طیف کاملی از استفاده های صلح آمیز انرژی هسته ای برخوردار شود» (Joyner)، (۶: ۲۰۱۲).

بنابراین هدف از معاهدات منع اشاعه، جلوگیری از گسترش سلاح های هسته ای بدون خلل وارد کردن در فرایند «حق بر توسعه» است. بر این مبنا، «حق بر توسعه» به عنوان بخشی از «حق تعیین سرنوشت مردم» و جزو هدف و موضوع این معاهدات و حتی منشور ملل متحد است. از این منظر، استدلال موجه و قانع کننده وجود ندارد که بر اساس آن بتوان (تعهدات دولت های عضو) را بر (حقوق دولت های عضو) برتری داد، زیرا موضوع حق و تکلیف لازم و ملزوم

یکدیگر هستند. طبق اصول کلی حقوقی، «اگر کسی نسبت به چیزی یا کسی تکلیفی داشته باشد، به تعیین من علیه الحق نسبت به صاحب تکلیف حقوقی نیز دارد (گرجی، ۱۳۷۲: ۱۲۴). از این رو، مادامی که کشوری تحت نظارت بین المللی آژانس و پادمان باشد، فی نفسه دلیلی برای نگرانی از برنامه های غنی سازی که متناسب با نیازهای توسعه غیر نظامی است، وجود ندارد. در این رابطه هرگونه اقدامی که موجب تضعیف حق غنی سازی شود، نه تنها با رویه و عملکرد آژانس در برخورد با سایر کشورهای دارای چرخه غنی سازی (ژاپن، برزیل و کره جنوبی) مغایرت دارد، بلکه نوعی تردید نسبت به کارایی و اثر بخشی سازوکار نظارتی آژانس به وجود خواهد آمد (حسن بیگی، جسنی، ۱۳۹۳: ۹۲).

همانطور که پیش تر اشاره شد، «حق بر توسعه» و سایر حقوق در اسناد بین المللی نظیر منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه ها و قطعنامه های مجمع عمومی مورد تاکید قرار گرفته است. بنابراین، به لحاظ فنی کاملاً واضح است که حق تولید و توسعه انرژی هسته ای صلح آمیز حق همگانی دولت های عضو معاهده، و دایر بر تمامی فرآیند منتهی به تحقق انرژی صلح آمیز است. در نتیجه، از مرحله شناسایی معدن، خرید و کسب اورانیوم طبیعی گرفته تا غنی سازی، ایجاد نیروگاه، داشتن دانش هسته ای بومی، و هر فعل و انفعالی که زمینه برخورداری این حق را فراهم سازد بخشی از این حقوق محسوب می شود. از این رو، غنی سازی یکی از ابزارهای دستیابی به فناوری صلح آمیز هسته ای است و هیچ کس نمی تواند ادعا نماید که «چرخه غنی سازی» چون کاربرد دوگانه دارد پس یک فناوری نظامی است. در «اساسنامه آژانس بین المللی انرژی اتمی» که نظام مرسوم به «عدم اشاعه» را پایه گذاری کرد و نظام پادمانی آژانس که برای اجرای مواد ۲ و ۳ معاهده ان پی تی. تنظیم شده است، «حق غنی سازی را نه تنها به عنوان یکی از اجزای توسعه برنامه صلح آمیز هسته ای ایران به رسمیت شناخته، بلکه دامنه آن را نیز تا زمان نامحدود تعیین کرده است». در واقع فناوری هسته ای در مراحل مختلف، از تحقیق و توسعه گرفته تا غنی سازی اورانیوم، به میزان و درجات مختلف تفاوتی میان اهداف صلح آمیز و نظامی وجود ندارد و فرآورده نهایی یعنی اورانیوم غنی شده حاصل از تحقیق، توسعه و تولید تجاری می تواند مورد استفاده در نیروگاه های تولید برق و یا تولید سلاح های هسته ای به کار رود (Elbaredei)، (۱۶: ۱۹۹۵).

از طرفی، برابری، لازمه هر برداشتی از حقوق بشر و ناشی از تفکر یکی بودن همه افراد بشر از حیث حقوق، کرامت و فرصت هاست و مرتبط با اصول و انصاف و جامعه عادلانه بوده، و امکان بهره مندی از توسعه نبایستی از هیچ فرد و ملتی دریغ شود و همه کشورها به منظور بهره مندی از انرژی هسته ای برای مصارف صلح آمیز فرصت برابر داشته باشند. از این رو، جامعه بین المللی نیز بایستی طبق مفاد اسناد و اساسنامه نهادهای بین المللی ذیربط، در صورت مراجعه و تقاضای یکی از اعضای خود به عنوان واسطه عمل کرده و از عضو دیگر خود بخواهد که خدمات مواد، تجهیزات فنی و یا تاسیسات لازم را در دسترس عضو متقاضی بگذارد؛ زیرا بدون کمک کشورهای با توان هسته ای بالا و همچنین بی توجهی به تعهد آنها مبنی بر کمک های فنی به توسعه کشورهایی که خواهان استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای هستند، این مهم امکان پذیر نخواهد بود؛ در حالی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، به حق برخورداری از توسعه برای همه ملت ها برای رسیدن به رشد و پیشرفت و غلبه بر معضل عقب ماندگی تاکید فراوانی شده است. دولت ها نیز ملزم شده اند در این راستا از هیچ تلاشی فروگذار نکنند (پشمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۷). بنابراین با توجه به اینکه هیچ قاعده عامی در حقوق بین الملل وجود ندارد که اقدام دولت ها را در زمینه استفاده صلح آمیز از دانش هسته ای از جمله غنی سازی اورانیوم، منع کند. اقدامات ایران در این زمینه از منظر حقوق بین الملل عام اصولاً مجاز و مشروع تلقی می گردد و هر نهاد یا مقامی که مانع دستیابی دولت ها به استفاده صلح آمیز دولت ها از دانش یا فناوری هسته ای گردد، عملی مغایر با حقوق بین الملل عام انجام داده است. همچنین، با توجه به اصل لوتوس می توان به مجاز بودن غنی سازی اورانیوم در حقوق بین الملل حکم داد و این عمل را یک حق عام برای دولت ها تلقی کرد.

نتیجه گیری

هدف از کلیت مباحث ارائه شده در این نوشتار این بود که حق کشورهای در حال توسعه از جمله ایران برای انتقال فناوری هسته ای و فعالیت های غنی سازی اورانیوم در چارچوب حق بر توسعه به عنوان مصادیق حقوق بشر در پرتو اسناد و مقررات نظام منع گسترش مورد بررسی قرار گیرد. لذا به این نتیجه رسیدیم که یکی از پیش شرط های تحقق توسعه در بعد اقتصادی، عامل دسترسی به منابع انرژی و استفاده از آنهاست و توسعه پایدار بدون در نظر گرفتن منابع

پایدار انرژی امکان پذیر نیست و انرژی هسته ای برای بسیاری از کشورها، به عنوان یک گزینه جایگزین سوخت های فسیلی مطرح است که استفاده از آن در راستای حق بر توسعه در سطح جهانی مطرح است.

می توان اظهار داشت که رهیافت حق بر توسعه یک پارادایم جدید در توسعه ایجاد کرده که حقوق بشر را قویاً در مرکز توسعه ملی و بین المللی قرار داده است. در واقع یکی از پیش شرط های تحقق توسعه در بعد اقتصادی، عامل دسترسی به منابع انرژی و استفاده از آنهاست. به نحوی که انرژی هسته ای یکی از دستاوردهای عمده علوم و فنون هسته ای است و هم اکنون نقش مهمی در تامین انرژی کشورها به ویژه کشورهای پیشرفته دارد. بر این مبنا، انرژی هسته ای یکی از دستاوردهای عمده علوم و فنون هسته ای است. تا پایان دهه ۱۹۶۰ و انعقاد معاهده عدم گسترش، صرف داشتن و تولید سلاح هسته ای (و نه «کاربرد» آنها که یکی از ممنوعیت های قدیمی در حقوق درگیری های مسلحانه است) ممنوع نبوده است. معاهده عدم گسترش این ممنوعیت را برای بخش اعظمی از اعضای جامعه بین المللی دولتها (یعنی دولتهای توسعه نیافته) ایجاد کرد. اما از آنجا که کاربرد انرژی هسته ای الزاماً با تولید سلاح هسته ای همراه و همزاد نیست، در کنار ممنوعیت های مذکور، حق فعالیت صلح آمیز هسته ای نیز مورد تاکید قرار گرفته است و قدرت های هسته ای هم به انتقال فناوری هسته ای بر مبنای معاهده ان. پی. تی ملزم شده اند هرچند تاکنون سازوکارهای حقوقی و اجرایی موثری برای اجبار کشورهای دارنده فناوری هسته ای صلح آمیز، با وجود تعهدشان به انتقال دانش مزبور به کشورهای متقاضی، پیش بینی نشده است. و بندهای مقرر شده ذیل ماده ۴ ان. پی. تی به گونه ای تدوین شده اند که بیشتر ناظر به همکاری داوطلبانه قدرت های هسته ای و حداکثر تعهد اخلاقی آن ها در همکاری های احتمالی آتی است که در بهترین حالت، تنها نوعی تعهد به وسیله است که به سازوکاری برای نظارت بر حسن اجرای آن تعهد و نه ضمانت اجرایی برای آن پیش بینی شده است.

عملکرد نهادهای بین المللی و قدرت های هسته ای در قبال حق بر توسعه را می توان این طور تحلیل کرد که این حق برخلاف نسل اول حقوق بشر در دیدگاه حقوق دانان غربی بازتابی نداشته و بیشتر توسط حقوق دانان کشورهای جهان سوم دنبال شده است. از طرفی؛ حق

پیشرفت و توسعه، با وجود حامیانی نتوانسته به جایگاه الزام آور برسد و صورت قانونی به خود بگیرد. همچنان که وظیفه سلبی ممانعت از رشد، پیشرفت و توسعه کشورها دارای چنین نقصانی است، وظیفه ایجابی کمک و مساعدت برای امر توسعه و پیشرفت کشورها نیز به دلیل نبود معاهدات الزام آور و حقوقی، غیر الزام آور به نظر می رسد. با وجود این طبیعی است که کشورهای با توان هسته ای، باوری به شناسایی حق بر توسعه برای کشورهای خواهان رشد و پیشرفت نداشته باشند؛ در حالی که وقتی حقوق بشر و توسعه را از مبانی صلح بین المللی بدانیم و حقوق مساوی و انکار ناپذیر همه افراد، تشکیل دهنده اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان باشد، در آن صورت اهداف اصلی مقرر در اساسنامه نهادهای بین المللی و معاهدات مرتبط با موضوع هسته ای با چالش مواجه می شود. جمهوری اسلامی ایران بیش از سه دهه است که تحقیقات متنوعی را در زمینه های مختلف علوم و فنون هسته ای انجام داده و بر اساس اصول راهبردی خود، مصمم به توسعه موثر و بهره برداری از آنها در راستای تحقق اهداف برنامه های توسعه در افق چشم انداز است. در این میان، به رسمیت شناختن حقوق و تعهدات مندرج در معاهده ان پی تی از سوی ۱۹۰ کشور گویای این واقعیت است که حقوق هسته ای در تمام شقوق آن در شمول حقوق بنیادین کشورها در عرصه حقوق بین الملل است. این امر به این معنا است که قدرت های هسته ای و سازمان های بین المللی نمی توانند در شناسایی این حقوق میان کشورها تبعیض و تفکیک قائل شوند. همچنین حق کلیه کشورها در داشتن انرژی صلح آمیز هسته ای باید تقویت شود و نباید کشورها از انرژی پاک هسته ای محروم شوند. در عین حال، اعمال تحریم اقتصادی از سوی برخی کشورها و نهادهای بین المللی که مدعی انحراف فعالیت های هسته ای ایران هستند از زاویه حقوق بین الملل اقتصادی نیز با حاکمیت یافتن اصول اقتصاد بازار آزاد بر اقتصاد بین الملل که خود غرب مروج این دیدگاه می باشد در تناقض با حاکمیت آزاد کشورها در امر تجارت بین الملل قرار می گیرد، مضافاً آنکه تحریم های اقتصادی ناقض حق بر توسعه است که در دهه های اخیر با تلاش کشورهای جهان سوم بر مبنای اصل همزیستی بین الملل مطرح شده است. در واقع اینگونه تحریم های اقتصادی از آن رو که باعث وقفه در تجارت آزاد بین الملل به عنوان امری که باعث تعامل و نزدیکی بیشتر کشورها در اثر وابستگی متقابل اقتصادی به همدیگر می گردند و

این امر منجر به همزیستی بین المللی و کاهش اختلافات بین کشورها می شود، منافات با جهت گیری کلی حقوق بین الملل و منشور سازمان ملل متحد جهت نیل به صلح و ثبات بین المللی و رفع کشمکش های بین المللی دارد.

واقعیت این است که پرونده هسته ای ایران پرونده سیاسی و حقوقی است. فشار سیاسی برخی از کشورها به ویژه آمریکا و تاثیر آن بر بزرگنمایی فعالیت های هسته ای ایران در ایجاد بحران هسته ای قابل انکار نیست. یقیناً با توجه به اینکه دستیابی به انرژی صلح آمیز هسته ای بر اساس معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای، حق مسلم کشورهاست، در حقیقت اعمال فشارها از سوی دول تحریم کننده، نه به جهت اهداف تعریف شده در منشور سازمان ملل متحد، بلکه بیشتر به جهت غرض ورزی های سیاسی و دشمنی های دیرینه بوده است. چرا که آژانس بین المللی انرژی اتمی حق غنی سازی صلح آمیز اورانیوم را به همه کشورها داده است. آمریکا و کشورهای غربی به این بهانه که ایران از ذخایر کافی نفت و گاز برخوردار است، ادعا می کنند جمهوری اسلامی ایران نیاز به انرژی هسته ای ندارد و قصد دارد از نیروگاه خود برای تولید سلاح های کشتار جمعی استفاده نماید. این ادعا از ماهیت سیاسی برخوردار است؛ چرا که تامین انرژی جزئی از منافع ملی هر کشور است و در نتیجه دسترسی به آن یک حق بین المللی محسوب می شود. به همین دلیل کشورهایی چون روسیه، مکزیک، کانادا و خود آمریکا همگی بخشی از انرژی خود را به جهات مختلف از جمله مسائل زیست محیطی از طریق نیروگاه های اتمی تولید می کنند. افزون بر این، منافع تکنولوژی هسته ای به محیط زیست و تولید برق خلاصه نمی شود. این تکنولوژی می تواند در عرصه هایی چون کشاورزی، پزشکی و صنعت نیز منافع بسیاری را برای مردم ایران داشته باشد.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- آرای، وحید و مهرنوش میرزا امرجی، «تحریم اقتصادی از منظر حقوق بین الملل با تاکید بر تحریم های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران در موضوع هسته ای»، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال اول، شماره ۲، ۱۳۹۶.
- انصاری، بهروز، «مبانی حقوق همبستگی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۴، ۱۳۹۱.
- افتخار جهرمی، گودرز، «حقوق بشر، محیط زیست و توسعه پایدار»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۰، ۱۳۸۸.
- الیاسی، مرتضی، «مبانی و اهداف حق توسعه»، مجله بصیرت، شماره ۲۶-۲۵، ۱۳۸۰.
- ایزدی، حجت، «حق توسعه در حقوق بین الملل با تاکید بر حق استفاده ایران از انرژی صلح آمیز هسته ای»، رساله دکتری، دانشگاه پیام نور مرکزی تهران، ۱۳۹۱.
- بابایی، مجتبی، «استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای از منظر حقوق بین الملل با تاکید بر حق غنی سازی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹۲، ۱۳۹۴.
- بیری گنبد، سکینه، بررسی راهبرد انرژی ایران در برابر تحریم های اتحادیه اروپا، گزارش پژوهش های مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۱.
- پطروس غالی، «حقوق بین الملل در تکاپوی ارزشهای خود: صلح، توسعه و دموکراسی»، ترجمه ابراهیم بیگ زاده، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۶-۳۵، ۱۳۸۱.
- حاجی یوسفی، امیر محمد و رضا غائبی، «مفهوم حق توسعه در روابط بین الملل از نگاه نظریه پسا استعماری»، مجله سیاست جهانی، دوره ششم، شماره ۴، ۱۳۹۶.
- پشمی، بهرام، بلوری، پیمان، سلیمی ترکمانی، حجت، «جایگاه حقوق بشر در آرانس بین المللی انرژی اتمی»، فصلنامه مطالعات انرژی، دوره ۶، شماره ۱، ۱۳۹۹.

- حسن بیگی، ابراهیم و محمدرضا حسینی، «تحکیم و تثبیت «حق غنی سازی» جمهوری اسلامی ایران در پرتو حقوق بین الملل»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۳۹۲.
- خرازی، فردین، «حق توسعه بستر ساز تحقق حقوق بشر»، پژوهش نامه روابط بین الملل، شماره ۴، ۱۳۸۴.
- زایدل، هومن فلدرن، آیگناتس، حقوق بین الملل اقتصادی، ترجمه و تحقیق: سید قاسم زمانی، تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۸۴.
- راعی، مسعود، «جایگاه حق توسعه در حقوق بشر معاصر»، معرفت، شماره ۴۹، ۱۳۸۰.
- رضائی قوام آبادی، محمد حسین و حسن شفیق فرد، «توسعه پایدار و حق بر محیط زیست سالم: چشم انداز نسل های آینده»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره پنجم، شماره ۱، ۱۳۹۵.
- سواد کوهی فر، ضحی، «دسترسی به انرژی و حقوق بشر»، مجله دادرسی، شماره ۹۶، ۱۳۹۱.
- ساعد، نادر، «توسعه دانش و فناوری صلح آمیز هسته ای در اسناد و آموزه های حقوق بین الملل»، فصلنامه سیاست دفاعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، ۱۳۸۳.
- سلیمی ترکمانی، حجت، «حق توسعه به مثابه حق بشری در گستره حقوق بین الملل انرژی»، مطالعات حقوق انرژی، دوره ۴، شماره ۲، ۱۳۹۷.
- صلح چی، محمد علی و رامین درگاهی، «بررسی ماهیت حقوق همبستگی حقوق جمعی یا مردمی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۱، ۱۳۹۲.
- عبدلی، محمد علی و امیر محمد دقار، «انرژی، توسعه و محیط زیست»، نشریه حقوق انرژی ایران، سال دهم، شماره ۲۶، ۱۳۸۱.
- عبیری، غلام حسین، «معمای مشروعیت مسائل هسته ای»، بانک و اقتصاد، شماره ۶۸، ۱۳۸۵.

- غمامی، سید محمد مهدی، «تحلیل گفتمان ضد حقوقی تحریم های آمریکا علیه دولت ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره ۴، ۱۳۹۲.
- قرشی، سید امیر حسین و اصغر صدیق زاده، «انرژی گداخت هسته ای راهبردی اجتناب ناپذیر در افق چشم انداز انرژی کشور»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و چهارم، شماره ۷۴، ۱۳۹۴.
- گرجی، ابوالقاسم، «مشروعیت حق و حکم آن با تاکید بر حق معنوی»، مجله حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۲۹، ۱۳۷۲.
- مولایی، یوسف، «حق توسعه و جهانشمولی حقوق بشر»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۶، ۱۳۸۱.
- مولایی، یوسف، «تحلیلی حقوقی پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۷، ۱۳۷۶.
- مولود، احمد، «کاربرد گسترده دانش هسته ای: نقطه خیزی برای توسعه اقتصادی کشورها»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۲۶، ۱۳۸۵.
- موسوی، سیدفضل الله، پیری دمق، مهدی، «توسعه انرژی های تجدیدپذیر از منظر حقوق بین الملل»، مطالعات حقوق انرژی، دوره ۱، شماره ۲، ۱۳۹۴.
- مشهدی، علی و مهناز رشیدی، «تاثیر تحریم های وضع شده علیه ایران بر محیط زیست، انرژی و انتقال تکنولوژی از منظر حقوق بین الملل»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال شانزدهم، شماره ۴۶، ۱۳۹۴.
- منتظری مقدم، رضا، کوچ نژاد، عباس، رامین نیا، مژگان، «ابعاد حقوقی انتقال فناوری هسته ای برای مقاصد صلح آمیز در حقوق بین الملل»، فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال هشتم، شماره ۳۲، ۱۳۹۸.

ب) منابع لاتین

- Aviles, Luis A, "Electric Energy Access in European Union Law: A Human Rights"? The Columbia Journal of European Law, online, No. ۱۹, ۲۰۱۲.

- Ambihaipahar, Ashvini, "Access to Energy: A Human Rights?", International Development Law, ۲۰۱۴.
- Aliou, Mianga, "Energy and Sustainable Development in Africa," Organization for Economic Co- Operation and Development, ۲۰۰۷.
- Bradbrook, Adrian. J, "Access to Energy Services in a Human Rights Framework", Human Rights Quarterly; Vol. ۲۸, No. ۲, ۲۰۰۶.
- Blake, Aaron, "Kerry on Iran: We do Not Recognize a Right to Enrich", Washington Post, ۲۴ November, ۲۰۱۳.
- Carter, E Barry, "International Economic Sanctions: Improving the Haphazard US Legal Regime", California Law Review, Vol. ۷۵, Issue. ۴, ۱۹۸۷.
- Frankovits, Andre & Patric K. Earle, The Rights Way to Development: Manual for Human Rights Approach to Development Assistance, Human Rights Council of Australia, ۱۹۹۸.
- Elbaredei, Mohammed; Nwogugu, Edwin; and John Rames, "International Law and Nuclear: Overview of Legal Framework", IAEA Bulletin, Vol. ۳, ۱۹۹۵.
- Muigua, Kariuki, Access to Energy as a Constitutional Right in Kenya, ۲۰۱۳.
- Ngosso, Thierry, The Right to Development of Developing Countries: An Argument Against Environmental Protection, Catholic University of Louvain, Public Reason ۵ (۲): ۳-۲۰, ۲۰۱۳.

- Oduwole, Olajumoke O, International Law and The Right to Development: A Pragmatic Approach for Africa, International Institute of Social Studies, The Hague, The Netherlands, ۲۰۱۴.
- Okafor, Obiora Chneda, The Status and Effect of the Right to Development, in Contemporary International Law: Towards a South North "Entente, Office of High Commissioner for Human Rights, ۱۹۹۵.
- Rivlin, Paul, "Iran s Energy Vulnerability," Middle East Review of International Affairs, Vol. ۱۰, No. ۴, ۲۰۰۶.
- Mohammed, Bedjaui, "Le droit au development," Bilan et Perspective, Tome ۲, Paris, Editions, A Pe done, ۱۹۹۱.
- Marks, Stephen, The Human Rights to Development: Between Rhetoric and Reality, Harvard Human Rights Journal, Vol. ۱۷, Spring, ۱۳۹-۱۶۸, ۲۰۰۴.
- Daniel Joyner, "What if Iran withdraws. From the Nuclear Nonproliferation Treaty?: can they Do that?" European Society of International Law Reflections, Volume ۱, Issue ۵, ۲۰۱۲.
- Tully, Stephen R. "The Contribution of Human Rights to Universal Energy Access", Northwestern Journal of International Human Rights, Vol. ۴, Issue ۳, ۲۰۰۶.
- Sengupta, Arjun and Archana Negi, (eds.), Reflections on the Right to Development, New Delhi: Sage Publication, ۲۰۰۵.

- Solis, Samonte and Manuel peter, “from Right to Light: A Human Rights- Based Approach to Universal Access to Modern Energy Servicess”, A Thesis Submitted for the Degree of Doctor Philosophy, University of Adelaide, ۲۰۱۴.
- Rebecca, Beachen Neame, “Strengthening the Nuclear Non P Roliferation Rrgime in the ۲۱st Century: Multilateral Approaches to the Nuclear Fuel Cycle.”. <http://ir.Canterbury.Ac.Nz/handle/۱۰۰۹۲/۴۲۷۴>, ۲۰۱۰.
- Walde, T, “Access to Energy Networks: A Precondition for Gross-Border Energy and Energy and Energy Services Trade.” CEPMLP Internet Journal and (with A. Gunst) Now Published in. ۳۶. J.World Trade, ۲۰۰۲.
- ۱۹۹۳ Vienna World Conference on Human Rights.
- Human Development Report ۲۰۰۱.
- IAEA Annual Report, ۲۰۱۵.
- <http://www.org/topics/energy>